

## گونه‌شناسی مدارا و سنجش آن در میان دانشجویان دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه تهران و علامه طباطبایی

علی عسگری<sup>۱</sup>

کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه مازندران

محمود شارع‌پور<sup>۲</sup>

دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران

### چکیده

امروزه حضور انسان‌های متفاوت در محل زندگی، کار و عرصه اجتماع از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است. از آنجاکه وجود چنین تنوعی ممکن است سبب درگیری میان صاحبان هویت‌های گوناگون در صحنه اجتماع شود، لازم است با انجام پژوهش‌های علمی، شناخت عمیق‌تری نسبت به آنها حاصل شود. در این مقاله بر اساس یک نمونه ۲۲۰ نفره از دانشجویان دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه تهران و علامه طباطبایی به بررسی میزان مدارا (شامل سه نوع مدارای اجتماعی، سیاسی و اخلاقی - رفتاری) پرداخته شده است. برای سنجش مدارا، بعد از بررسی گونه‌شناسی‌های ارائه‌شده درباره این مفهوم، «تقسیم‌بندی و گت» به عنوان مبنای سنجش مدارا مورد استفاده قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد از میان انواع مدارا، مدارای سیاسی از میزان بیشتری برخوردار بوده است. آزمون تفاوت میانگین حکایت از تفاوت معنادار بین مقاطع تحصیلی کارشناسی و کارشناسی ارشد به لحاظ میزان مدارا دارد؛ بدین معنی که با افزایش پایه تحصیلی دانشجویان، میزان مدارای آنها نیز افزایش می‌یابد. اگرچه میزان مدارای پاسخگویانی که در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران مشغول به تحصیل هستند، به نسبت هم‌تایانشان در دانشگاه علامه طباطبایی بیشتر بوده اما آزمون آماری، تفاوت معناداری را بین این دو دانشکده به لحاظ میزان مدارا نشان نداده است.

**کلیدواژه‌ها:** گونه‌شناسی مدارا، مدارای اجتماعی، مدارای اخلاقی - رفتاری، مدارای سیاسی.

---

1.ali askari@gmail.com

2.sharepour@yahoo.com

۱- مقاله حاضر برگرفته از پایان نامه دوره کارشناسی ارشد آقای علی عسگری در دانشگاه مازندران می‌باشد.

## مقدمه و طرح مسئله

مسئله همزیستی در تاریخ بشر، هیچگاه به گستردگی امروز محل بحث و مناقشه نبوده زیرا آدمیان هرگز ضرورت تفاوت را چنین ملموس و گسترده، به صورت رؤیاریویی هر روزه با «دیگربودگی»<sup>۱</sup> تجربه نکرده بودند (والزر، ۱۳۸۳). در واقع در جامعه جدید و با گسترش ارتباطات محلی، ملی و بین‌المللی، برگ نوینی از تاریخ ورق می‌خورد و مردمان سراسر دنیا، امکان تعامل وسیع و مداوم با یکدیگر را پیدا می‌کنند (سراجزاده و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۱۰). اما این تعامل میان انسان‌هایی رخ می‌دهد که همگی در پشت اندیشه‌های جزم‌گرایانه خود سنگر گرفته‌اند و از زاویه عینک کوچک خود به جهان می‌نگرند و در نتیجه جز یک «حق» و یک «درست» نمی‌بینند. اینجا نقطه آغاز کشمکش و خشونت میان صاحبان اندیشه‌های مختلف (حقیقت‌های مختلف) می‌باشد. زیرا اینها همان‌گونه که کدیور می‌گوید به نوعی جزمیت و مطلق‌انگاری اعتقاد دارند و با اندیشه‌های مخالف خود به شیوه دگماتیک برخورد می‌کنند (کدیور، ۱۳۷۹: ۸۶۳).



در سراسر تاریخ شاهد نبردهای خونین میان کسانی هستیم که به دنبال به کرسی نشاندن حرف خود و استقرار حقیقت مورد نظر خویشان هستند. این قاعده ناشی از نوعی ترس از دیگری است؛ بدین معنی که افراد به دلیل عدم مشارکت در فعالیت‌ها، اعم از سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و غیره، حضور دیگری متفاوت را به عنوان منشأ تهدید تصور می‌کنند و در راستای رفع این تهدید، واکنش نشان می‌دهند. وجود چنین فضایی سبب هدر رفتن بخش عمده‌ای از انرژی و توان شهروندان می‌شود و به جای اینکه توان افراد برای حل مسائل و پیشرفت جامعه سامان‌دهی شود در راستای مقابله با یکدیگر قرار می‌گیرند. وجود این وضعیت در شرایط کنونی برخی از جوامع کاملاً ملموس است؛ مقدار زیادی از انرژی شهروندان صرف درگیری‌های مذهبی، حزبی، قومی، منطقه‌ای و غیره می‌شود که شکل یک «معادله صفر و یک» را به خود گرفته است؛ معادله‌ای که موفقیت یک طرف لزوماً شکست طرف مقابل را در پی خواهد داشت.

یکی از دلایل این شیوه برخورد با افکار و رفتار این است که به دلیل محدود بودن تعامل بین‌گروهی، در جامعه سنتی تنها یک منبع برای کسب دانش و آگاهی وجود داشته اما با گسترش جهان عقل‌محور مدرن، راه‌های دستیابی به حقیقت متکثر شد، اما با توجه به

ریشه‌دار بودن اندیشهٔ حقیقت مطلق، «در سطح فردی نه تنها هر کس اندیشه خود را بهترین اندیشه می‌داند بلکه حاضر به شنیدن آرا و نظرات دیگران نیست، چه رسد به آنکه آنها را از حقوق اجتماعی مساوی خود، برخوردار بداند» (بهمن پور، ۱۳۷۸: ۱۰). در چنین شرایطی چالش فراروی دولت‌ها و ملت‌ها، یافتن شیوه‌های کانالیزه کردن این گونه روابط به سمت تجربه‌های دموکراتیکی است که مفاهمه و گفتگوی بین ملت‌ها و نیز مبانی حقوق بشر، برابری جنسیتی، نژادی، دینی، قومی و غیره را تقویت کند (سراج‌زاده و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۱۰)؛ یعنی انسان اندیشه‌ورز در طول تاریخ به دنبال راهی بوده که با وجود این همه تنوع و کثرت عقاید و آرا، انسان‌ها به وسیله آن به صورت مسالمت‌آمیز در کنار هم زیست کنند (افشانی، ۱۳۸۱: ۶)، و ضمن احترام به حقیقت مورد نظر دیگران، حقیقت مدنظر خود را نیز حفظ کنند. «مدارا<sup>۱</sup> یکی از راه‌ها یا به عبارتی بهترین راه برای زندگی در حقیقت و برای حقیقت است» (جهانبگلو، ۱۳۸۴: ۳۶۶)؛ زیرا بحث از مدارا به طور تلویحی به معنای افتتاح گفتمان آزادی اعتقاد، آزادی وجدان و آزادی بیان است.

همگام با این واقعیت‌ها و در شرایطی که خلأ تحقیقات تجربی در مورد سنجش مدارا به شدت احساس می‌شود، تحقیق حاضر به دنبال سنجش مدارا و انواع آن است. این پژوهش در پی بررسی این سؤال است که وضعیت مدارا در بین دانشجویان دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه تهران و علامه طباطبایی چگونه است. آیا تفاوت معناداری بین این دو دانشکده به لحاظ میزان مدارا وجود دارد؟

## مفهوم مدارا

برای ادارهٔ تضادهای برخاسته از تفاوت‌های بین افراد و گروه‌ها، راه‌های متفاوتی وجود دارد. مدارا یکی از این راه‌هاست. با توجه به شواهد، واضح است که این روش از نظر تاریخی مرسوم نبوده است. در واقع، جوامع اغلب به تفاوت عقاید با تعصب اقتدارگرایانه<sup>۲</sup> پاسخ داده‌اند. ریتون<sup>۳</sup> نیز به این امر توجه کرده و معتقد است «تمایل اختلاف‌نظرها در تمام زمینه‌ها متمایل به ایجاد تضاد اجتماعی است» (گراهام، ۱۳۸۳: ۸۵).

### 1. Tolerance / Toleration

قابل ذکر است که مدارا ترجمه‌ای است از این دو کلمه انگلیسی که تنها فیلسوف‌ها متمایل به استفاده از Toleration در این معنا را دارند (دیجکر و کومن، ۲۰۰۷: ۲۹).

### 2. Authoritarian Dogmatism

### 3. Railton





مدارا به عنوان پاسخی به تفاوت‌ها، میان دگماتیسم و نسبی‌گرایی<sup>۱</sup> قرار دارد (دنيس بیټس<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷: ۳). نسبی‌گرایی از این جهت که معتقد است حقیقت به صورت کامل در اختیار هیچ دیدگاهی نیست، حامی اندیشه‌مداراست؛ از این منظر اعتقاد به مدارا نیازمند صحنه گذاشتن بر نسبی‌گرایی است. با خوانشی دیگر به نظر می‌رسد مدارا از نسبی‌گرایی متمایز باشد و به سمت مطلق‌گرایی میل کند، بدین ترتیب که اگر قضاوت اخلاقی یکی نسبت به دیگری صحیح‌تر نباشد، چگونه می‌توان مدارا جو بود؟ (گراهام، ۱۳۸۳). از این دیدگاه یکی از ملزومات مدارا، اعتقاد به نادرست بودن موضوع است. در اینجا مفهوم مدارا به مطلق‌گرایی نزدیک می‌شود؛ زیرا نادرست دانستن یک امر به‌طور کلی نیازمند اعتقاد به مطلق‌گرایی است.

درباره مفهوم مدارا به‌طور کلی می‌توان گفت مدارا عملی است که به مردم اجازه می‌دهد عقاید یا ویژگی‌های دیگران را دوست نداشته باشند یا حتی از آنها متنفر باشند، اما بدون اقدام به جنگ آزاردهنده علیه آنان (فلچر، ۱۳۸۳)؛ بدین معنی که مدارا، آزاد گذاشتن دیگران برای داشتن ویژگی‌های شخصی یا نگهداری عقاید و اعمالی را توصیف می‌کند که دیگران آن را به عنوان عملی اشتباه یا تنفرانگیز در نظر می‌گیرند (دنيس بیټس، ۲۰۰۷: ۳)؛ به عبارت دیگر عمل مدارا زمانی معنا دارد که امکان استفاده از زور و خشونت وجود داشته باشد. بدین ترتیب مدارا به عنوان فضیلتی اجتماعی و قاعده‌ای سیاسی، امکان همزیستی صلح‌آمیز افراد و گروه‌هایی را فراهم می‌کند که دیدگاه‌های متفاوتی دارند و با روش‌های متفاوت در جامعه‌ای واحد زندگی می‌کنند (گالوتی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲).

طبق نظر آگیوس<sup>۴</sup> و آمبروسویچ<sup>۵</sup> ویژگی‌های زیر را می‌توان برای مفهوم مدارا مشخص کرد:

۱. مدارا به عنوان احترام و پذیرش تنوع فرهنگ‌های دنیای اطرافمان و شیوه‌های متفاوت انسان بودن، تعریف شده است.

۲. مدارا به معنی سازش، بخشش یا تشویق رفتار منفی نیست. در اصل مدارا نگرشی فعال بر اساس به رسمیت شناختن حقوق و آزادی‌های همگانی بشری است.

۳. مدارا مسئولیتی است که در ایجاد حقوق بشر، پلورالیسم، دموکراسی و حاکمیت قانون

1. Relativism  
2. Dennis Yeates  
3. Galeotti  
4. Agius  
5. Ambrosewicz

اثر می‌گذارد. مفهوم مدارا شامل طرد «جزماندیشی»<sup>۱</sup> و «مطلق‌گرایی»<sup>۲</sup> و تأیید استانداردهای حقوق بشر بین‌الملل است (صابر، ۱۳۸۴).

از زمان جنگ‌های مذهبی در قرن‌های شانزده و هفده میلادی مدارا و ازه‌ای است که بارها در جامعه غربی مدرن مورد استفاده قرار گرفته، اما با این حال تعریف آن با سختی‌های فراوانی همراه بوده و هنوز هم بحث‌های دامنه‌داری در این زمینه وجود دارد. به علاوه، حضور این اصطلاح سبب ایجاد سنت پژوهشی قابل ملاحظه‌ای نشده است (دیجکر و کومین<sup>۳</sup>، ۲۰۰۷: ۱۰)؛ بنابراین در مفهوم‌پردازی مدارا برای روشن شدن آن لازم است مرز آن را از مفاهیم مشابه متمایز کنیم. مدارا با سه عمل دیگر یعنی فرصت‌طلبی<sup>۴</sup>، بی‌تفاوتی<sup>۵</sup> و واگذاری<sup>۶</sup> مشابهت دارد، اما باید توجه داشته باشیم با آنها مخلوط نشود. فرد فرصت‌طلب، مدارا را صرفاً به عنوان استراتژی کسب قدرت تأیید می‌کند؛ بدین معنی که زمانی که جستجوی مدارا است که خود و عقایدش در اقلیت قرار دارند، اما زمانی که احساس می‌کند قدرت کافی برای اعمال برتری<sup>۷</sup> خود دارند، مدارا را رد می‌کنند. در واقع آنها مدارا را به دلایل فرصت‌طلبانه در برخی مواقع مورد قبول قرار می‌دهند. بنابراین مدارا به عنوان یک استراتژی فرصت‌طلبانه ضمانت اندکی را برای کسانی فراهم می‌کند که به مدارا و آزادی وجدان به عنوان یک حق می‌نگرند (دنيس بیټس، ۲۰۰۷: ۴).

شرطی که مدارا را از بی‌تفاوتی متمایز می‌کند، در ارتباط با نسبی‌گرایی است. برای مثال رویکرد نسبی‌نگر نسبت به دین، دین‌های متفاوت را تنها تفاوت زبان برای گفتگو با خدا در نظر می‌گیرد، زبان‌هایی که خدا همه آنها را می‌فهمد. فردی ممکن است احساس کند دین او بهترین راه صحبت با خداست اما این را نیز در نظر داشته باشد که دیگران هم ممکن است چنین احساسی داشته باشند و این‌گونه توجیه شده باشند؛ بدین معنی که فرد نسبی‌گرا ممکن است به رویکرد خاصی نسبت به یک موضوع، احساس شدیدی داشته باشد اما متوجه این امر نیز باشد که این تعلق<sup>۸</sup> چیزی بیش از یک روش در میان ترجیحات بسیار نیست که همه آنها به یک اندازه معتبر هستند. به طور مشابه، کسی که بی‌تفاوت است نسبت به تفاوت‌ها - به این

1. Dogmatism
2. Absolution
3. Dijker & Koomen
4. Opportunism
5. Indifference
6. Condescension
7. Hegemony
8. Attachment



دلیل که احساس می‌کند آنها اهمیتی ندارند - مدارا نشان می‌دهد. نسبی‌گرایی از دل تصویری از جهان یا دستگاه اعتقادی بیرون آمده که قضاوتی را که در مدارا سهیم باشد رد می‌کند، اما بی‌تفاوتی بیشتر نیمه‌آگاهانه رشد می‌کند (دنيس بیټس، ۲۰۰۷: ۵ و کرنستن، ۱۳۷۶: ۶۲).

همان‌گونه که بیچ<sup>۱</sup> (۱۹۴۷) نشان داده تمایز میان واگذاری و مدارا با مشاهده رفتار معترضان در طول جنگ جهانی دوم، واضح‌تر است. با وجود اینکه اغلب معترضان با شرکت در برخی انواع خدمات عمومی و نظامی موافق بودند، این افراد خطری برای اجتماع در نظر گرفته می‌شدند و دولت هم آنها را برای کار در اردوگاه‌های نظامی جداگانه مستقر کرد که آنها و عقایدشان را از فضای عمومی جدا نگه دارد.

## گونه‌شناسی مدارا

### تقسیم‌بندی وگت

وگت<sup>۲</sup> (۱۹۹۷) مدارا را یک «گرایش رفتاری»<sup>۳</sup> در نظر می‌گیرد؛ یعنی نگرش را از خلال رفتار درمی‌یابد که در این معنا، مفهوم فوق در مقابل «نگرش»<sup>۴</sup> قرار می‌گیرد (فلیپس، ۲۰۰۴: ۲۴).

سازه<sup>۵</sup> مدارا در نظر وگت از سنت علوم سیاسی می‌آید که می‌پرسد: مدنیت چه نیازهایی دارد؟ پاسخی که دانشمندان علوم سیاسی از جمله وگت به این سؤال می‌دهند این است که اساسی‌ترین ضرورت برای نگهداری جامعه مدنی، مداراست (فلیپس، ۲۰۰۴، کولسنت<sup>۶</sup>، ۱۹۹۷). وی بر اساس کار سولیوان<sup>۷</sup>، پیرسون<sup>۸</sup> و مارکوس<sup>۹</sup> (۱۹۸۲) نشان می‌دهد مدارا شامل نگرش منفی نسبت به دیگران و حمایت از حقوق و آزادی‌های آنها به طور همزمان است. در نظر وی اگر این دو جزء به طور هم‌زمان ارائه نشوند، مدارا وجود ندارد. در توصیفی که وگت از مدارا ارائه داده کارهای قدیمی‌تر از قبیل کریک<sup>۱۱</sup> (۱۹۷۱)، کینگ<sup>۱۲</sup> (۱۹۷۶) و کوربت<sup>۱۳</sup>



1. Beach
2. Vogt
3. Behavioral Disposition
4. Attitude
5. Phelps
6. Construct
7. Colesante
8. Sullivan
9. Piereson
10. Marcus
11. Crick
12. King
13. Corbett

(۱۹۸۲) را با هم ادغام کرده است (فلیس، ۲۰۰۴: ۲۵).

وگت مدارا را به سه دسته تقسیم می‌کند که با یکدیگر همپوشی دارند: مدارای سیاسی، اخلاقی و اجتماعی (فلیس، ۲۰۰۴، کولسنت، ۱۹۹۷). منظور او از مدارای سیاسی، مدارا نسبت به اعمال افراد در فضای عمومی یا احترام به آزادی‌های مدنی<sup>۱</sup> دیگران است (فلیس، ۲۰۰۴: ۲۶). به عبارت دیگر مدارای سیاسی به خودداری ارادی در مواجهه با عمل افراد در فضای عمومی زندگی اشاره دارد که مورد علاقه و توافق نباشد (کولسنت، ۱۹۹۷: ۴). مدارای اخلاقی نیز حاکی از مدارا نسبت به اعمال دیگران در فضای خصوصی است (فلیس، ۲۰۰۴: ۲۶)؛ به عنوان مثال آیا اعمال افرادی که از نظر جنسی غیر هم‌نوا هستند، باید توسط قانون محدود شود؟

تفاوت میان مدارای سیاسی و اخلاقی مربوط به حقوقی می‌شود که به دلیل توافق شهروندان بر سر پیروی از قراردادهای اجتماعی به آنها واگذار شده است. منظور از قرارداد اجتماعی، توافق میان شهروندانی است که نسبت به سهمیه‌های مختلف برای ساختن «خیر عمومی»<sup>۲</sup> مدارا می‌کنند که این در مقابل آزادی کامل افراد برای دنبال کردن زندگی مورد علاقه‌شان قرار دارد. خیر عمومی، خیری است که برای سود تمام شهروندان ساخته می‌شود... و محصول گفتمان منطقی درباره این مطلب است که حق «ما» - به عنوان گروهی که اجتماع معینی را بنا نهاده‌اند - چیست؟ (کولسنت، ۱۹۹۷: ۴). به‌طور کلی می‌توان گفت مدارای سیاسی نسبت به کسانی به کار می‌رود که در پی ایجاد خیر عمومی هستند و مدارای اخلاقی، مدارا نسبت به کسانی است که خارج از فضای خیر عمومی، به دنبال ایجاد زندگی خوب برای خود هستند.

منظور وگت از مدارای اجتماعی مدارا نسبت به حالت‌های مختلف انسان بودن است، چه ویژگی‌هایی که از هنگام تولد همراه افراد است مانند رنگ پوست و جنسیت، و چه آنهایی که در طول زندگی از طریق فرایند اجتماعی شدن کسب می‌شوند مانند زبان صحبت کردن (فلیس، ۲۰۰۴، کولسنت، ۱۹۹۷). وگت اشاره می‌کند این ویژگی‌ها موضوع مدارا یا عدم مدارا نیستند بلکه اعمال و رفتارهایی که با ویژگی‌های معینی از افراد در ارتباط هستند، ممکن است به وسیله تصورات قالبی مناسب یا نامناسب متصور شوند و در نتیجه مورد مدارا واقع شوند یا نشوند (فلیس، ۲۰۰۴: ۲۶).



## تقسیم‌بندی چیکرینگ و ریسر

چیکرینگ و ریسر<sup>۱</sup> (۱۹۹۳) در بررسی آنچه آنها نیز مدارا نامیده‌اند، منحصرأ روی آنچه وگت در قلمرو اجتماعی مدارا قرار می‌دهد، تمرکز کرده‌اند؛ اگرچه آنها اساساً روی مدارای اجتماعی تمرکز کرده‌اند اما مدارا نسبت به عقاید و اعمال دیگران هم در عرصه خصوصی و هم در عرصه عمومی را نیز برشمرده‌اند که با مدارای سیاسی و اخلاقی در نظر وگت همپوشی دارد. آنها به مدارا به عنوان حضور دو موقعیت توجه کرده‌اند: بین‌فرهنگی<sup>۲</sup> و بین‌فردی<sup>۳</sup>. به علاوه آنچه آنها به عنوان مدارا در نظر می‌گیرند با سازه وگت متفاوت است. آنها به جای اینکه روی رفتار تأکید کنند بیشتر روی «گرایش» متمرکز شده‌اند (فلیس، ۲۰۰۴).

طبق نظر چیکرینگ و ریسر کسانی که مداراجو<sup>۴</sup> هستند «نوعی توانایی کسب کرده‌اند که به آنها اجازه می‌دهد علاوه بر پذیرش و احترام نسبت به تفاوت‌ها، به تحقیق بیشتری دربارهٔ این تفاوت‌ها علاقه نشان دهند و نیز بپذیرند که این تفاوت‌ها وجود دارند» (چیکرینگ و ریسر، ۱۹۹۳: ۱۶۰، به نقل از فلیس، ۲۰۰۴: ۲۸). این بیانات نوعی بخش‌سازندهٔ گرایش رفتاری را پیشنهاد می‌کند که در تقابل با سازه وگت از مداراست؛ بدین معنی که از نظر چیکرینگ و ریسر افرادی که مداراجو هستند تنها مشکلات و ناملایمت‌ها را تحمل نمی‌کنند بلکه علاوه بر آن، به افراد متفاوت از خود با آغوش باز خوش‌آمد می‌گویند و حتی در جستجوی صمیمیت اجتماعی<sup>۵</sup> با آنها هستند که این به ما در تشخیص سازهٔ آنها از حوزه مدارای سیاسی در نظر وگت کمک می‌کند.

## تقسیم‌بندی لرد اسکارمن

اسکارمن<sup>۶</sup> (۱۹۸۷) نیز به نوبه خود، مدارا را به دو دستهٔ مدارای مثبت و مدارای منفی تقسیم کرده است. مدارای منفی به معنای عدم مداخله در امور مردم و رها کردن مردم به حال خودشان معرفی شده است. بر پایه این نظر، هر فرد در ارتباط با مسائل مختلف زندگی، گزینش‌ها و تصمیم‌گیری‌ها دارای آزادی کامل است و افراد حق دخالت در محدودهٔ آزادی فرد را ندارند. (اسکارمن، ۱۹۸۷، به نقل از افشانی، ۱۳۸۱). از طرف دیگر، مدارای مثبت به



1. Chickering & Reisser
2. Intercultural
3. Interpersonal
4. Tolerant
5. Social Closeness
6. Scarman



معنی پشتیبانی از حقوق و آزادی‌های مردم برای دستیابی به اهداف زندگی و برخورداری آنها، به‌ویژه اقلیت‌ها، از فرصت‌های برابر در جامعه است. در سایه به‌کارگیری مدارای مثبت، مردم می‌توانند به مدد خدمات اجتماعی و اقتصادی که از سوی دولت ارائه می‌شود، از امکانات موجود در جامعه بهره‌مند شوند (افشانی، ۱۳۸۱).

به عقیده اسکارمن، بر پایه نظریه مدارای مثبت، تحمل افکار و عقاید، شیوه زندگی و علائق فرهنگی و دینی مردم، امری ضروری است اما کافی نیست. همگام با طرح مدارای منفی باید به حمایت قانونی از حقوق مردم به‌ویژه اقلیت‌ها پرداخت و به آنان در جهت برخورداری از فرصت‌های برابر در جامعه کمک کرد. به عبارت دیگر، اگر قانون در معنای مثبت خود مداراجو باشد، باید از منافع اقلیت‌ها در میان ما حمایت کند. وی معتقد است عدم مداخله در امور مردم به مثابه جنبه منفی مدارا، تنها ارزش قانونی داشته و کافی نیست که از سوی قانون به رسمیت شناخته شود و به اجرا درآید.

به نظر اسکارمن درحالی‌که بسیاری از مردم توانایی دستیابی به امکانات و فرصت‌های موجود در جامعه را ندارند و نمی‌توانند از امتیازهای مادی و معنوی آن برخوردار شوند، طرح مفهوم «عدم مداخله در طرح‌ها و سلیقه‌ها و گزینش‌های مردم با عنوان مدارا» شعاری توخالی بیش نیست. تدوین و اعمال سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی همه‌جانبه، مردم را قادر خواهد ساخت تا از امکانات و ظرفیت‌های برابر و در دسترس همگان بهره‌مند شوند. در صورتی جامعه می‌تواند از امنیت، نظم، ثبات و اقتدار بهره‌مند شود که گذشته از مدارای منفی، مدارای مثبت نیز به طور فراگیر مطرح شود (همان).

### تقسیم‌بندی پیتز کینگ

پیتز کینگ<sup>۱</sup> (۱۹۷۶) مدارا را برحسب موضوع، به سه دسته هویتی، سیاسی و رفتاری تقسیم کرده است. این تقسیم‌بندی بدین ترتیب است:

الف - مدارای هویتی یعنی اعمال مدارا نسبت به ویژگی‌هایی که اختیاری نیستند که خود شامل مدارا نسبت به هویت‌های مختلف از قبیل ادیان مختلف، ملیت‌های گوناگون و قومیت‌های متمایز می‌شود؛

ب - مدارای سیاسی که ناظر به قبول حق برای گروه‌هایی است که مورد تأیید فرد

نیستند؛



ج - مدارای رفتاری که خود ناظر به سه نوع مدار است: مدارا در الگوهای روابط جنسیتی، مدارا نسبت به جرم، و مدارا نسبت به مجرمان (سراجزاده و دیگران، ۱۳۸۳ و بشیریه، ۱۳۸۳).

### تقسیم‌بندی ورنر گلد اشمیت

گلد اشمیت<sup>۱</sup> (۱۹۷۲) نیز به تقسیم‌بندی مدارا اقدام کرده و مدارای اجتماعی را به لحاظ تحلیلی به دو دسته فعال<sup>۲</sup> و منفعل<sup>۳</sup> تقسیم کرده است؛ مدارای فعال نیز به نوبه خود به دو دسته انتزاعی<sup>۴</sup> و عینی<sup>۵</sup> تقسیم می‌شود. مدارای فعال انتزاعی بدین معنی است که فرد به لحاظ شفاهی معتقد به مدارا نسبت به دیگران متفاوت باشد و زمانی که فرد علاوه بر اینکه شفاهاً معتقد به مدارا نسبت به دیگران بود عملاً نیز مدارای خود را نشان داد، تبدیل به مدارای فعال عینی می‌شود. مدارای منفعل نیز حکایت از نوعی بی‌تفاوتی افراد نسبت به یکدیگر دارد مانند شهروندانی که در خیابان تردد می‌کنند بدون اینکه به یکدیگر توجه کنند.

به اعتقاد گلد اشمیت، اگر توسعه اجتماعی و توسعه در سایر عرصه‌ها با موفقیت صورت گرفته باشد مدارای منفعل باید به مدارای فعال تبدیل شود. همچنین وی معتقد است ادامه روند توسعه اصول جامعه‌پذیری مجدد، به عنوان تشخیص ضوابط جنایی، بدون در نظر گرفتن پیشینه این نوع مدارا خطرناک است؛ مدارای منفعل، ناکامی و بی‌علاقگی، همگی حاکی از این است که واکنش‌های خشونت‌آمیز، دوباره گسترش خواهند یافت (گلد اشمیت، ۱۹۷۲: ۱۶۱).

حاتم قادری نیز مدارا را به سه دسته تقسیم کرده است:

**الف - مدارا بر اساس مصلحت بیرونی:** یعنی فرد از سرِ مردم‌داری با دیگران مدارا پیشه کند. در این حالت بنیان‌های معرفتی دیگران کم یا زیاد به دور از اصالت پنداشته می‌شود و مدارا در مورد رفتارهای بیرونی، از سرِ پذیرش و قائل شدن حق برای آنان نیست. در این احتمال، فرد و گروه مداراکننده با هدف بزرگ‌منشی یا با این تصور که جز در پیش گرفتن مدارا، اوضاع بر مدارا ملائمت نخواهد بود، تن به این امر می‌دهند. می‌توان گفت این نوع مدارا، هرچند



1. Goldschmidt
2. Active
3. Passive
4. Abstract
5. Concrete

می‌تواند پُردامنه باشد اما عمق و شدت آن اندک است.

**ب - مدارا بر اساس حق دگراندیشی:** نوع دوم مدارا بر این باور استوار است که دیگران از «حق» دگراندیشی برخوردارند و چون چنین حقی دارند، رواست که در مناسبات، این مهم لحاظ شود. در این نوع، برخلاف گونه نخست که مدارا بر اساس مصلحت بیرونی شناخته می‌شد، طرف‌های مقابل اعم از فرد یا گروه، شایسته مدارا و رواداری هستند، چراکه مدعی می‌پذیرد مدارا قرائت‌های مفهومی و موضوعی و همچنین مناسبت‌های اجتماعی، بر اساس تکثر و چندگانگی است. در این وضعیت طرف اعمال‌کننده مدارا، قرائت و باور خود را محق مطلق یا دست‌کم برترین می‌داند اما این موضوع را تبدیل به مستمسکی در نفی دگراندیشی نمی‌کند. در چنین گونه‌ای، مدارا نه تنها دامنه‌دار است که در عمق نیز حرکت کرده و شدت می‌یابد.

**ج - مدارا بر اساس هم‌ارزی ابتدا به ساکن:** گونه سوم از مدارا، وضعیتی است که طرف‌های برخوردار، نه تنها حق دگراندیشی دارند بلکه حتی این امکان وجود دارد که دگراندیشی آنها پس از بررسی و تحقیق، گونه برتر یا برترین نیز شناخته شود. در چنین شرایطی، به کار گیرندگان مدارا، کالای خود را بر اساس یقین به بی‌نظیر بودن ارزش آنها، عرضه نمی‌کنند بلکه این آمادگی را دارند که از بعد یا ابعادی، به برتری کالای دیگری یا دیگران اذعان کنند. به‌طورکلی می‌توانیم بگوییم مدارای نوع اول، محدود به رفتارها و هنجارهای ارتباطی است؛ مدارای نوع دوم، افزون بر اعمال در هنجارهای ارتباطی، از پذیرش حق برای دیگری هم برخوردار است هرچند معتقد به برتری آموزه و باور خود است؛ و بالاخره نوع سوم برتری آموزه و باور خود را منوط به سنجش و پژوهش دیگر باورها به‌طور روشمند می‌داند (قادری، ۱۳۷۶).

### جمع‌بندی گونه‌شناسی مدارا

نکته جالب توجه در پیشینه تحقیق این است که هر کدام از نظریه‌پردازان فوق، ابعادی را برای مدارا در نظر گرفته‌اند که مفهوم مدارا را به‌طور کامل پوشش نمی‌دهد. در واقع تقسیم‌بندی‌های مورد استفاده آنها ناقص بوده و از عهده مفهوم مذکور به‌خوبی برنیامده است. در همین راستا در تحقیق حاضر برای پر کردن خلأ موجود، از تقسیم‌بندی سه‌بعدی و گت که در ابتدا صحبت آن شد، استفاده می‌شود تا بر مشکل موجود فائق آید؛ این تقسیم‌بندی بدین شکل است: مدارای اجتماعی که شامل مدارای دینی، قومی، ملیتی و مدارای اجتماعی عمومی است، مدارای سیاسی شامل: مدارا نسبت به ژورنالیست‌ها، نویسندگان و تهیه‌کنندگان منتقد،



و مدارای سیاسی عمومی می‌شود، و مدارای اخلاقی و رفتاری شامل مدارا نسبت به الگوهای روابط جنسی، مجرمان و سبک‌های پوشش و رفتار. در واقع، وگت با تمایز آشکاری که بین ابعاد سه‌گانه مدارا برقرار کرده، چندبُعدی بودن پدیده‌ها و مسائل را مورد توجه قرار داده و به این ترتیب بر خُلاً موجود در مورد سنجش مدارا غلبه کرده است.

## روش‌شناسی

### روش تحقیق و ابزار گردآوری داده‌ها

پژوهش حاضر از روش پیمایش<sup>۱</sup> و از نوع مقطعی<sup>۲</sup> آن بهره‌مند شده است. از میان تکنیک‌های گردآوری اطلاعات از پُرکاربردترین آنها یعنی پرسشنامه خوداجرا<sup>۳</sup> استفاده شده است. پرسشنامه تکنیک بسیار ساخت‌مندی برای گردآوری داده‌هاست که در آن از هر پاسخگویی مجموعه یکسانی از پرسش‌ها پرسیده می‌شود (دواس، ۱۳۸۳: ۸۷).

### سوالات پژوهش

۱. میزان مدارا در بین دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه تهران و علامه طباطبایی چقدر است؟
۲. آیا میزان مدارا در بین دانشجویان دو دانشکده تفاوت معناداری را نشان می‌دهد؟
۳. آیا میزان انواع مدارا در بین دانشجویان دو دانشکده تفاوت معناداری را نشان می‌دهد؟
۴. آیا میزان مدارا در بین دانشجویان مقاطع تحصیلی کارشناسی و کارشناسی ارشد تفاوت معناداری را نشان می‌دهد؟
۵. آیا میزان انواع مدارا در بین دانشجویان مقاطع تحصیلی کارشناسی و کارشناسی ارشد تفاوت معناداری را نشان می‌دهد؟

### جامعه آماری

جامعه آماری این تحقیق، کلیه دانشجویان مقاطع تحصیلی کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه تهران و علامه طباطبایی را دربرمی‌گیرد که در نیم‌سال اول سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷ مشغول به تحصیل بوده‌اند. مقایسه آنها به این دلیل است که



1. Survey
2. Cross-Sectional
3. Self-Administrated Questionnaire

این دو دانشکده، از لحاظ کمیّت و کیفیت از مهم‌ترین دانشکده‌های علوم اجتماعی کشور هستند.

تعداد دانشجویان در مجموع ۲۷۸۶ نفر بوده که از این تعداد، ۹۴۱ نفر در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و ۱۸۴۵ نفر در دانشکده علوم اجتماعی علامه طباطبایی مشغول به تحصیل بوده‌اند.

### تعیین حجم نمونه

نمونه، بخشی از جامعه آماری است که معرف کل جامعه باشد. در پژوهش حاضر بنا به نظر مشاور آماری و برای بالا بردن دقت نمونه‌گیری از واریانس و انحراف معیار متغیرهای اصلی در مطالعه مقدماتی برای تعیین برآورد حجم نمونه استفاده شده است. پس از برآورد حجم نمونه، با استفاده از «فرمول تقسیم نیمین» حجم نمونه برای هر کدام از طبقات موجود در جامعه آماری محاسبه شده است.

$$n = \frac{(\sum_{h=1}^l W_h S_h)^2}{v + \frac{1}{N} \sum_{h=1}^l W_h S_h^2}$$

h: h : اندیس طبقه l: تعداد طبقه

$N_h: N_h$ : تعداد اعضای هر طبقه  $S_h^2: S_h^2$ : واریانس صفت مورد بررسی در طبقه h ام

$$W_h = \frac{N_h}{N}$$

$$v = (a\bar{y})$$

$\alpha = (0.008): \alpha = (0.008) = (0.007)$  ضریب تغییرات مورد نظر برای

صفت مورد بررسی

$$n_h = \frac{N_h S_h}{\sum N_h S_h} * n \quad n_h = \frac{N_h S_h}{\sum N_h S_h} * n$$



## شیوه نمونه‌گیری

شیوه‌های نمونه‌گیری نسبت به مسائل مورد بررسی متفاوت است و برای هر مسئله در هر شرایط مکانی و زمانی خاص باید عموماً از یک شیوه نمونه‌گیری استفاده نمود. شیوه‌های نمونه‌گیری مرسوم و متداول در اصل به دو بخش تقسیم می‌شوند: نمونه‌گیری اتفاقی<sup>۱</sup> (یا احتمالی) و سهمیه‌ای<sup>۲</sup> (یا غیر احتمالی) (رفیع‌پور، ۱۳۸۳: ۳۸۴). در پژوهش حاضر از روش نمونه‌گیری احتمالی استفاده شده است. «این روش چهار نوع دارد که عبارتند از: نمونه‌گیری اتفاقی ساده، اتفاقی سیستماتیک، خوشه‌ای و طبقه‌ای» (همان: ۳۸۶). در این پژوهش از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای استفاده شده که با توجه به ویژگی‌های جامعه آماری، به صورت چندمرحله‌ای و متناسب صورت گرفته است.

در پژوهش حاضر در ابتدا با مراجعه حضوری به دانشکده‌ها، آمار دانشجویان بر اساس مقطع تحصیلی و جنسیت تهیه گردید، اما از آنجا که امکان دستیابی به گرایش تحصیلی و لیست اسامی دانشجویان مقدور نبود فقط سهم هر کدام از مقاطع تحصیلی به تفکیک جنسیت محاسبه شده است.



جدول شماره ۱. حجم جامعه و نمونه برای هر کدام از طبقات

حجم نمونه	حجم جامعه آماری	جنسیت	مقطع تحصیلی	دانشگاه
۳۳	۵۲۴	زن	کارشناسی	دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران
۱۱	۱۷۶	مرد		
۱۱	۱۶۵	زن	کارشناسی ارشد	
۵	۷۶	مرد		
۸۸	۱۱۷۵	زن	کارشناسی	دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی
۲۵	۳۲۴	مرد		
۱۵	۱۹۴	زن	کارشناسی ارشد	
۱۲	۱۵۲	مرد		

1. Random-Sample
2. Quota-Sample

## اعتبار و پایایی پرسشنامه

برای ارزیابی اعتبار، سه شیوه اصلی وجود دارد که عبارتند از: اعتبار محتوا<sup>۱</sup>، معیار<sup>۲</sup> و سازه<sup>۳</sup> (دواس، ۱۳۸۳: ۶۳). از میان این سه شیوه، تحقیق حاضر از اعتبار محتوایی بهره برده است. اعتبار محتوایی به معنی شناسایی اعتبار شاخص‌ها یا معرف‌های پژوهش از طریق مراجعه به داوران است. بدین ترتیب، در پژوهش حاضر پژوهشگر از طریق بررسی ادبیات موضوع و نظر خبرگان این حوزه به این نتیجه رسیده که شاخص گنجانده شده در سؤالات پرسشنامه، معرف حوزه معنایی مفاهیم مورد مطالعه هستند.

همچنین برای اطمینان از پایایی ابزار سنجش، پرسشنامه مورد پیش‌آزمون قرار گرفت. به این صورت که تعداد ۳۰ نفر از پاسخگویان (۱۵ نفر از دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و ۱۵ نفر از دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی) پرسشنامه را تکمیل کردند. پس از آن، پرسشنامه‌ها کدگذاری و در نرم‌افزار SPSS وارد شدند و پایایی آنها به وسیله آلفای کرونباخ ارزیابی گردید. سپس با توجه به نتایج حاصل از مطالعه مقدماتی، اصلاحات لازم در ابزار سنجش به عمل آمد تا اعتبار و پایایی آن افزایش یابد. پس از اعمال اصلاحات لازم در ابزار سنجش، پرسشنامه نهایی در میان پاسخگوهای تحقیق به اجرا درآمد. جدول زیر حاوی اطلاعات مربوط به پایایی مقیاس‌های مورد سنجش در مطالعه مقدماتی و نهایی است.

جدول شماره ۲. ضریب آلفای مقیاس‌های تحقیق

ردیف	نام متغیر	پرسشنامه مقدماتی		پرسشنامه نهایی	
		تعداد گویه	ضریب آلفا	تعداد گویه	ضریب آلفا
۱	مدارای اجتماعی	۱۷	۰/۸۵	۱۷	۰/۸۶
۲	مدارای سیاسی	۱۲	۰/۷۳	۱۰	۰/۷۷
۳	مدارای اخلاقی - رفتاری	۱۱	۰/۷۶	۱۲	۰/۸۰
۴	مدارای کل	۴۰	۰/۸۵	۳۹	۰/۹۰

1. Content Validity
2. Criterion Validity
3. Construct Validity



## تعاریف نظری و عملیاتی

### مفهوم مدارا

مدارا به معنی احترام گذاشتن، پذیرش و درک غنای فرهنگ‌ها و اشکال و شیوه‌های انسان بودن است که به وسیله آگاهی، گشودگی<sup>۱</sup>، ارتباط و آزادی اندیشه، وجدان و عقاید پرورش می‌یابد. مدارا هماهنگی در عین تفاوت است، که تنها یک وظیفه اخلاقی به شمار نمی‌رود بلکه نیازی قانونی و سیاسی است. مدارا فضیلتی که صلح را امکان‌پذیر می‌سازد و به جایگزینی «فرهنگ صلح» به جای «فرهنگ جنگ» کمک می‌کند (یونسکو، ۱۹۹۵: ۲). در ادامه، سه بُعد مدارا که از نظریه و گت اقتباس شده، تعریف و به عملیاتی نمودن آنها پرداخته خواهد شد.

### ۱. مدارای اجتماعی

منظور و گت از مدارای اجتماعی، مدارا نسبت به حالت‌های مختلف انسان بودن، چه آنهایی که از هنگام تولد همراه افراد است مانند رنگ پوست، جنسیت و چه آنهایی است که در طول زندگی از طریق فرایند اجتماعی شدن کسب می‌شوند (فلیس، ۲۰۰۴؛ کولسنت، ۱۹۹۷). در این پژوهش برای مدارای اجتماعی چهار مؤلفه در نظر گرفته شده که عبارتند از: مدارای دینی، قومیتی، ملیتی و مدارای اجتماعی عمومی. گفتنی است مدارای دینی، خود دارای دو شاخص مدارا با پیروان سایر ادیان و مدارا با اقلیت‌های مذهبی است که مدارا با مسیحی‌ها به عنوان نماینده مدارای دینی در نظر گرفته شده است.

### ۲. مدارای سیاسی

منظور و گت از مدارای سیاسی، مدارا نسبت به اعمال افراد در فضای عمومی یا احترام به آزادی‌های مدنی<sup>۲</sup> دیگران است (فلیس، ۲۰۰۴: ۲۶). همچنین می‌توان گفت مدارای سیاسی، مدارا نسبت به کسانی است که در پی ایجاد خیر عمومی هستند (فلیس، ۲۰۰۴، کولسنت، ۱۹۹۷). در پژوهش حاضر برای مدارای سیاسی نیز چهار مؤلفه در نظر گرفته شده که عبارتند از: مدارا نسبت به ژورنالیست‌ها، نویسندگان و تهیه‌کنندگان منتقد، و مدارای سیاسی عمومی.

### ۳. مدارای اخلاقی و رفتاری

مدارای اخلاقی و رفتاری، مدارا نسبت به اعمال کسانی است که به دنبال ایجاد زندگی خوب برای خود، خارج از فضای خیر عمومی هستند (فلیس، ۲۰۰۴؛ کولسنت، ۱۹۹۷).



1. Openness  
2. Civil Liberties



البته خودِ این ویژگی‌ها موضوع مدارا یا عدم مدارا نیستند. بلکه اعمال و رفتارهایی که با ویژگی‌های معینی از افراد ارتباط دارند، موضوع مدارا هستند (فلیس، ۲۰۰۴: ۲۶). در این تحقیق برای این نوع از مدارا سه مؤلفه در نظر گرفته شده که عبارتند از: مدارا نسبت به مجرمان و مدارا نسبت به سبک‌های پوشش و رفتار.

### جدول شماره ۳. عملیاتی کردن مدارا

مفهوم	بُعد	مؤلفه	شاخص
مدارا	مدارای اجتماعی	مدارای دینی	مدارا با سایر ادیان (مسیحی‌ها)
			مدارا با اقلیت‌های مذهبی
		مدارای قومی	-
		مدارای ملیتی	-
	مدارای اجتماعی عمومی	مدارای اجتماعی عمومی	-
		مدارا با ژورنالیست‌ها	-
		مدارا نسبت به نویسندگان و تهیه‌کنندگان منتقد	-
		مدارای سیاسی کلی	-
	مدارای اخلاقی - رفتاری	مدارا نسبت به مجرمان	-
		مدارا نسبت به سبک‌های پوشش و رفتار	-

### یافته‌های پژوهش؛ توزیع فراوانی میزان مدارای اجتماعی پاسخگوها

در این مطالعه، مدارای اجتماعی از طبقه‌بندی پنج‌گانه‌ای برخوردار است که مدارا با مسیحی‌ها، اقلیت‌های مذهبی، قومیت‌ها، سایر ملیت‌ها و مدارای اجتماعی عمومی را شامل می‌شود. تمامی ابعاد مدارای اجتماعی از سنجش مدارای پاسخگوها، در یک طیف پنج‌قسمتی به دست آمده است.



توزیع فراوانی ابعاد پنج‌گانه مدارای اجتماعی پاسخگوها به شرح جدول شماره (۴) است. داده‌های این جدول در وهله نخست، حکایت از آن دارد که میزان مدارای اجتماعی کل در سطح نسبتاً بالایی قرار دارد و در وهله دوم نیز نشان‌دهنده آن است که از میان انواع پنج‌گانه این نوع مدارا، مدارای اجتماعی عمومی، مدارا با مسیحی‌ها به عنوان نماینده‌ای از مدارای دینی، مدارای ملیتی، قومیتی و مذهبی به ترتیب بیشترین میزان را دارا بوده‌اند. بالا بودن مدارای اجتماعی عمومی حکایت از آن دارد که متفاوت بودن افراد، مسئله چندانی برای دانشجویان در برقراری رابطه محسوب نمی‌شود، به طوری که بیش از چهارپنجم (۸۸/۳ درصد) پاسخگوها دارای مدارای اجتماعی عمومی زیاد و بسیار زیاد و فقط مدارای عمومی ۱/۴ درصد از آنها در سطح پایینی قرار داشته است. دلیل این امر ممکن است این باشد که در محیط اجتماعی ما، به‌خصوص دانشگاه‌ها، افراد متفاوت با آداب و رسوم گوناگون به صورت مسالمت‌آمیز زندگی می‌کنند.



جدول شماره ۴. توزیع فراوانی میزان مدارای اجتماعی پاسخگوها

میانگین از (۵)	خیلی کم		کم		تا حدودی		زیاد		خیلی زیاد		میزان مدارای اجتماعی
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۴/۲۴	۰/۴	۱	۳/۶	۸	۱۵/۷	۳۵	۳۱/۸	۷۱	۴۸/۴	۱۰۸	مدارا با مسیحی‌ها
۳/۴۵	۱/۸	۴	۱۷/۶	۳۹	۳۰/۶	۶۸	۳۲/۹	۷۳	۱۷/۱	۳۸	مدارا با اقلیت‌های مذهبی
۳/۵۳	۲/۳	۵	۱۰/۰	۲۲	۳۴/۴	۷۶	۳۸/۵	۸۵	۱۴/۹	۳۳	مدارای قومی
۳/۷۷	۴/۱	۹	۸/۷	۱۹	۲۴/۷	۵۴	۳۰/۶	۶۷	۳۲/۰	۷۰	مدارای ملیتی
۴/۴۲	-	-	۱/۴	۳	۱۰/۴	۲۳	۳۲/۴	۷۲	۵۵/۹	۱۲۴	مدارای عمومی
۳/۸۶	-	-	۳/۷	۸	۲۷/۸	۶۰	۴۶/۸	۱۰۱	۲۱/۸	۴۷	مدارای اجتماعی کل

در مرتبه بعدی، مدارای دینی (با مسیحی‌ها) نیز در سطح بالایی قرار دارد؛ به طوری که فقط ۴ درصد پاسخگویان از مدارای دینی اندک و بسیار اندک برخوردار بوده‌اند. وضعیت مدارای ملیتی نمونه مورد مطالعه نیز حاکی از مدارای نسبتاً زیاد است به این ترتیب که مدارای ۶۲/۶ درصد از آنها در سطح بسیار زیاد و زیاد قرار گرفته است. با توجه به پیشینه تاریخی کشور که گروه‌های متجاوز (مثل مغول‌ها) را به درون خود کشیده و خوی تجاوزگری آنها را مهار کرده، می‌توان انتظار داشت مدارای دینی و ملیتی در بین افراد چنین جامعه‌ای قوی باشد.

پذیرش افرادی که هویت قومی و مذهبی متفاوتی دارند و مدارا با آنها تا حدی کمتر از سایر انواع مدارای اجتماعی است، ممکن است به دلیل آن باشد که در سال‌های اخیر نیروهای خارجی، برای به عقب راندن دولت، اقدام به ایجاد حرکت‌های استقلال‌طلبانه در برخی نواحی اقلیت‌نشین (هم از نظر قومی و هم از نظر مذهبی) کرده‌اند. این حرکت‌ها سبب شده چهره اقلیت‌ها به عنوان افرادی جدایی‌طلب تحت تأثیر قرار گیرد و در نتیجه مدارا نسبت به آنها نیز تحت الشعاع قرار گیرد. البته گفتنی است ایجاد و گسترش چنین جنبش‌هایی تحت تأثیر بحث عدالت اجتماعی نیز قرار دارد؛ بدین صورت که با گسترش امکانات ارتباطی و افزایش نسبت اقلیت‌های قومی و مذهبی در دانشگاه‌های کشور و در نتیجه، افزایش خودآگاهی آنها - که از مقایسه با دیگری حاصل می‌شود - اقدام به تشکیل حلقه‌هایی برای استیفای حقوق اجتماعی و سیاسی خود نموده‌اند. «احساس محرومیت نسبی شکل گرفته، هویت قومی و مذهبی اقلیت‌ها را برجسته می‌کند که این مسئله پیامدهای منفی مهمی از جمله خشونت‌هایی با منشأ قومی را در پی خواهد داشت» (نواح و تقوی‌نسب، ۱۳۸۷: ۱۴۴).

### توزیع فراوانی میزان مدارای سیاسی پاسخگوها

مدارای سیاسی که از یک طبقه‌بندی چهارگانه برخوردار است در برگیرنده مدارا با فمنیست‌ها، ژورنالیست‌ها، نویسندگان و تهیه‌کنندگان منتقد، و مدارای سیاسی عمومی است. تمامی ابعاد مدارای سیاسی از سنجش مدارای پاسخگوها، در یک طیف پنج‌قسمتی حاصل شده است. توزیع فراوانی میزان مدارای سیاسی پاسخگوها در جدول شماره ۵ به نمایش گذاشته شده است.



جدول شماره ۵. توزیع فراوانی میزان مدارای سیاسی پاسخگوها

میانگین ۵ از	خیلی کم		کم		تا حدودی		زیاد		خیلی زیاد		میزان مدارای سیاسی
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۴/۳۳	-	-	۱/۸	۴	۱۰/۷	۲۴	۴۰/۴	۹۱	۴۷/۱	۱۰۶	مدارا با ژورنالیست‌ها
۴/۳۲	۰/۴	۱	۴/۵	۱۰	۱۲/۵	۲۸	۲۷/۷	۶۲	۵۴/۹	۱۲۳	مدارا نسبت به نویسندگان و تهیه‌کنندگان منتقد
۴/۴۷	-	-	۰/۹	۲	۹/۴	۲۱	۳۱/۷	۷۱	۵۸/۰	۱۳۰	مدارای سیاسی عمومی
۴/۵۶	-	-	۰/۵	۱	۵/۵	۱۲	۳۱/۴	۶۹	۶۲/۷	۱۳۸	مدارای سیاسی کل



ارقام جدول بالا حاکی از آن است که مدارای سیاسی در سطح بسیار بالایی است، به طوری که مدارای سیاسی کلی اکثریت مطلق (۹۴/۱ درصد) پاسخگوها در سطح بالا و بسیار بالا بوده است. از میان این ابعاد چهارگانه مدارا، مدارای سیاسی عمومی، مدارا با ژورنالیست‌ها، نویسندگان و تهیه‌کنندگان منتقد به ترتیب بیشترین میزان را دارا بوده‌اند. بالا بودن سطح مدارای سیاسی عمومی نشان‌دهنده آن است که مدارا در سطوح مختلف اندیشگی در سطح خرد موجود است، در صورتی که در سطح کلان، نمونه‌های بسیاری از عدم مدارای سیاسی در سطح جامعه مشاهده می‌شود. این امر، پارادوکس موجود میان مدارای سیاسی در سطح خرد و کلان را نشان می‌دهد.

در مرتبه بعدی، مدارا با ژورنالیست‌ها قرار دارد که ۸۷/۵ درصد از پاسخگوها در سطح بالا و بسیار بالا قرار دارند. هرچند مدارا نسبت به نویسندگان و تهیه‌کنندگان منتقد کمتر از مدارا با ژورنالیست‌هاست، اما عدم پذیرش در مدارا نسبت به نویسندگان و تهیه‌کنندگان منتقد نیز اندک است، به طوری که تنها ۴/۹ درصد از پاسخگوها از سطح پایین و بسیار پایین این نوع مدارا برخوردارند. در کل مقیاس‌های مدارای سیاسی بیانگر این هستند که مدارا در سطح بسیار بالایی است؛ مدارایی که لازمه شهروندی و دموکراسی است.

## توزیع فراوانی میزان مدارای اخلاقی - رفتاری پاسخگوها

در مطالعه حاضر، مدارای اخلاقی - رفتاری از طبقه‌بندی چهارگانه‌ای برخوردار است که مدارا با مجرمان و سبک‌های پوشش و رفتار را شامل می‌شود. تمامی ابعاد این مدارا، از سنجش مدارای پاسخگوها، در یک طیف پنج‌قسمتی به دست آمده است.

توزیع فراوانی میزان مدارای اخلاقی - رفتاری پاسخگوها در جدول شماره ۶ ترسیم شده است. داده‌های این جدول در وهله نخست نشان‌دهنده آن است که مدارای اخلاقی - رفتاری پاسخگوها در سطح متوسطی می‌باشد، به طوری که مدارای حدود یک‌سوم (۳۲/۱ درصد) از پاسخگوها در سطح بالا و بسیار بالا و حدود یک‌چهارم (۲۴/۹ درصد) آنها پایین و بسیار پایین بوده است. در وهله دوم، ارقام جدول حاکی از آن است که از میان ابعاد چهارگانه مدارای اخلاقی - رفتاری، مدارا با مجرمان، و سبک‌های پوشش و رفتار، به ترتیب بالاترین میزان را دارا بوده‌اند.

بالا بودن مدارا با مجرمان حاکی از این است که بیش از دوسوم (۶۹/۲ درصد) پاسخگوها، مجرمان را محصول شرایط بد اجتماعی - اقتصادی دانسته و معتقدند در برخورد با آنها باید به فکر اصلاح بوده و از برخوردهای خشن و غیرانسانی با آنها خودداری کرد.

جدول شماره ۶. توزیع فراوانی نسبی میزان مدارای اخلاقی - رفتاری پاسخگوها

میزان مدارای اخلاقی - رفتاری	خیلی زیاد		زیاد		تا حدودی		کم		خیلی کم	
	فراوانی درصد	فراوانی	فراوانی درصد	فراوانی	فراوانی درصد	فراوانی	فراوانی درصد	فراوانی	فراوانی درصد	فراوانی
مدارا با مجرمان	۳۳/۵	۷۴	۳۵/۷	۶۱	۲۷/۶	۶۱	۲/۷	۶	۱	۰/۵
مدارا با سبک‌های پوشش و رفتار	۹/۱	۲۰	۷/۳	۷۶	۳۴/۵	۶۰	۲۷/۳	۴۸	۲۱/۸	۲/۵۴
مدارای اخلاقی - رفتاری کل	۷/۳	۱۶	۲۴/۸	۹۳	۴۲/۷	۵۱	۲۳/۴	۴	۱/۸	۳/۱۲

مدارا نسبت به سبک‌های پوشش و رفتار که از سایر انواع مدارا در سطح پایین‌تری قرار دارد حاکی از آن است که تقریباً نیمی از پاسخگوها (۴۹/۱ درصد) با توجه به نوع



پوشش و رفتار سایرین با آنها رابطه برقرار می‌کنند و تنها ۱۶/۴ درصد از پاسخگوها در برقراری رابطه اهمیتی به نوع پوشش و رفتار طرف مقابل نمی‌دهند. پایین بودن مدارا نسبت به سبک‌های پوشش و رفتار تا حدی ناشی از این امر است که حفظ ظاهر در روابط اجتماعی، در جامعه‌ای که بین سنت و مدرنیسم معلق مانده است، هنوز امری مهم تلقی می‌شود و این در حالی است که حوزه‌های پنهان و نامرئی کمتر مورد توجه قرار دارند. در واقع نظر پاسخگوها این‌گونه متجلی می‌شود که افراد باید به حفظ ظاهر بپردازند، حال آنکه حوزه‌های درونی‌تر که در صحنه اجتماعی نمود کمتری دارد، از اهمیت ثانوی برخوردارند.

### توزیع فراوانی میزان مدارای پاسخگویان کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه تهران و علامه طباطبایی

توزیع مدارای پاسخگوها برحسب دانشکده محل تحصیل و مقطع تحصیلی که از ترکیب سه بعد مدارای اجتماعی، سیاسی و اخلاقی - رفتاری حاصل شده، در جدول شماره ۷ ترسیم شده است. یافته‌های جدول مذکور در وهله نخست نشان‌دهنده آن است که دو پنجم (۴۰ درصد) دانشجویان دانشگاه تهران میزان زیاد و بسیار زیاد مدارا را نشان داده‌اند، درحالی‌که همین میزان برای همتایانی که در دانشگاه علامه طباطبایی تحصیل می‌کنند، حدود یک‌سوم (۳۴/۴ درصد) است. در درجه دوم ارقام این جدول بیانگر آن است که میزان مدارای دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه تهران به ترتیب در سطح متوسط و بالایی بوده است؛ بدین معنی که بیش از نیمی از دانشجویان کارشناسی ارشد (۵۹/۱ درصد) و حدود یک‌سوم (۳۲/۱ درصد) پاسخگویان مقطع کارشناسی، از سطح زیاد و بسیار زیادی از مدارا برخوردار بوده‌اند. بیشترین فراوانی (نما) مدارا در بین مقاطع تحصیلی کارشناسی و کارشناسی ارشد در دانشگاه تهران به ترتیب متعلق به سطوح متوسط (۳۵/۸ درصد) و زیاد (۴۰/۹ درصد) بوده است.

در مورد دانشگاه علامه طباطبایی، یافته‌های جدول بالا حاکی از آن است که به ترتیب ۲۸/۷ و ۵۳/۴ درصد از پاسخگویان مقاطع تحصیلی کارشناسی و کارشناسی ارشد از سطح بالا و بسیار بالای مدارا برخوردار بوده‌اند. بیشترین فراوانی (نما) مدارا در بین مقطع تحصیلی کارشناسی این دانشگاه متعلق به سطح پایین (۳۴/۷ درصد) مدارا بوده است، درحالی‌که همین آماره برای همتایانی که در مقطع کارشناسی ارشد تحصیل می‌کنند، به سه



سطح خیلی زیاد، زیاد و متوسط تعلق دارد. به طور کلی یافته‌های جدول مذکور بیانگر آن است که میزان مدارا در بین دانشجویان دانشگاه تهران و مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد به نسب همتایانشان در دانشگاه علامه طباطبایی و مقطع کارشناسی بیشتر بوده است.

جدول شماره ۷. توزیع فراوانی میزان مدارای پاسخگویان کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه تهران و علامه طباطبایی

میزان مدارا دانشکده و مقطع تحصیلی		خیلی زیاد		زیاد		تا حدودی		کم		خیلی کم	
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
دانشگاه تهران	کارشناسی	۳/۸	۲	۲۸/۳	۱۵	۳۵/۸	۱۹	۲۲/۶	۱۲	۹/۴	۵
	کارشناسی ارشد	۱۸/۲	۴	۴۰/۹	۹	۲۷/۳	۶	۴/۵	۱	۹/۱	۲
	جمع کل	۸/۰	۶	۳۲/۰	۲۴	۳۳/۳	۲۵	۱۷/۳	۱۳	۹/۳	۷
دانشگاه علامه طباطبایی	کارشناسی	۶/۹	۷	۲۱/۸	۲۲	۳۱/۷	۳۲	۳۴/۷	۳۵	۵/۰	۵
	کارشناسی ارشد	۲۶/۷	۸	۲۶/۷	۸	۲۶/۷	۸	۲۰/۰	۶	۰/۰	۰
	جمع کل	۱۱/۵	۱۵	۲۲/۹	۳۰	۳۰/۵	۴۰	۳۱/۳	۴۱	۳/۸	۵

### آزمون تفاوت میانگین مدارای اجتماعی برحسب مقطع تحصیلی

تفاوت میانگین مدارای اجتماعی برحسب مقطع تحصیلی که از یک طبقه‌بندی پنج‌گانه برخوردار است، در جدول شماره ۸ قابل رؤیت است. طبق داده‌های این جدول، میانگین مدارای اجتماعی کل برای مقاطع تحصیلی کارشناسی و کارشناسی ارشد به ترتیب ۶۱/۲۲ و ۶۸/۱۳ است. آزمون  $t$  نشان داد تفاوت مشاهده‌شده بین دو مقطع تحصیلی مذکور به لحاظ آماری معنادار است؛ بدین معنی که با افزایش سطح تحصیلات، مدارای اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. در واقع افزایش سطح تحصیلات علاوه بر اینکه به طور مستقیم بر افزایش مدارا تأثیر می‌گذارد از طریق طولانی کردن مدت زمان همزیستی افراد متفاوت در دانشکده‌ها، به ارتقای مدارا نیز کمک می‌کند. در مورد مدارا با مسیحی‌ها (به عنوان نماینده



مدارای دینی) میانگین دوره کارشناسی ۱۵/۷۳ و برای کارشناسی ارشد ۱۷/۳۱ است. آزمون t آشکار ساخت تفاوت مشاهده‌شده بین مقطع تحصیلی کارشناسی و کارشناسی ارشد تفاوت معناداری است.

میانگین مدارا با اقلیت‌های مذهبی در مقطع کارشناسی ۱۲/۹۹ و برای کارشناسی ارشد ۱۵/۰۳ است که آزمون معناداری، حکایت از معنادار بودن تفاوت مشاهده‌شده دارد. تفاوت میانگین دو مقطع تحصیلی مذکور برای مدارای قومی و ملیتی نیز نتیجه مشابهی را نشان داد؛ بدین ترتیب که این دو نوع مدارا با افزایش سطح تحصیلات افزایش یافته و تفاوت آنها نیز معنادار بوده است. از میان ابعاد مدارای اجتماعی، تنها مدارای اجتماعی عمومی تفاوت معناداری را به لحاظ مقطع تحصیلی نشان نداده است.

جدول شماره ۸. مقایسه میزان مدارای اجتماعی پاسخگوها برحسب مقطع تحصیلی

متغیر	مقطع تحصیلی	میانگین	انحراف معیار	t	df	sig
مدارا با مسیحی‌ها	کارشناسی	۱۵/۷۳	۲/۹۳	-۳/۷۱	۱۰۶	۰/۰۰۰
	کارشناسی ارشد	۱۷/۳۱	۲/۷۴			
مدارا با اقلیت‌های مذهبی	کارشناسی	۱۲/۹۹	۲/۹۲	-۴/۳۲	۹۲	۰/۰۰۰
	کارشناسی ارشد	۱۵/۰۳	۳/۱۳			
مدارای قومی	کارشناسی	۱۳/۳۴	۲/۷۰	-۳/۵۷	۸۹	۰/۰۰۱
	کارشناسی ارشد	۱۴/۹۶	۳/۰۳			
مدارای ملیتی	کارشناسی	۱۰/۶۶	۲/۶۹	-۲/۷۳	۹۸	۰/۰۰۷
	کارشناسی ارشد	۱۱/۷۸	۲/۶۲			
مدارای اجتماعی عمومی	کارشناسی	۸/۴۳	۱/۴۱	-۰/۴۹	۱۰۷	۰/۶۲
	کارشناسی ارشد	۸/۵۳	۱/۳۱			
مدارای اجتماعی کل	کارشناسی	۶۱/۲۲	۹/۶۳	-۴/۲۴	۸۴	۰/۰۰۰
	کارشناسی ارشد	۶۸/۱۳	۱۰/۵۸			





## آزمون تفاوت میانگین مدارای سیاسی برحسب مقطع تحصیلی

جدول شماره ۹ تفاوت میانگین مدارای سیاسی را برحسب مقطع تحصیلی که مشتمل بر یک طبقه‌بندی چهارگانه است، نشان می‌دهد.

جدول شماره ۹. مقایسه میزان مدارای سیاسی پاسخگوها برحسب مقطع تحصیلی

متغیر	مقطع تحصیلی	میانگین	انحراف معیار	t	df	sig
مدارا با ژورنالیست‌ها	کارشناسی	۱۲/۳۸	۱/۹۴	-۰/۵۸	۹۶	۰/۵۶
	کارشناسی ارشد	۱۲/۵۶	۱/۹۵			
مدارا نسبت به نویسندگان و تهیه‌کنندگان منتقد	کارشناسی	۸/۳۴	۱/۷۶	-۲/۵۲	۲۲۲	۰/۰۱
	کارشناسی ارشد	۸/۹۸	۱/۳۳			
مدارای سیاسی عمومی	کارشناسی	۱۲/۸۲	۱/۹۱	-۲/۴۲	۹۹	۰/۰۱
	کارشناسی ارشد	۱۳/۵۳	۱/۹۲			
مدارای سیاسی کل	کارشناسی	۴۱/۶۸	۵/۳۷	-۳/۰۵	۱۰۷	۰/۰۰۳
	کارشناسی ارشد	۴۴/۰۳	۴/۸۷			

داده‌های این جدول نشان می‌دهد میانگین مدارای سیاسی کل برای مقاطع تحصیلی کارشناسی و کارشناسی ارشد به ترتیب ۴۱/۶۸ و ۴۴/۰۳ است. آزمون t نشان می‌دهد تفاوت میانگین مشاهده‌شده بین دو مقطع مذکور به لحاظ آماری معنادار است. در مورد مدارا با فمنیست‌ها میانگین دوره کارشناسی ۸/۱۲ و برای کارشناسی ارشد ۹/۰۱ است که این تفاوت نیز از نظر آماری معنادار است.



برخلاف سایر ابعاد مدارای سیاسی، میانگین مدارا با ژورنالیست‌ها برای مقاطع تحصیلی کارشناسی و کارشناسی ارشد ۱۲/۳۸ و ۱۲/۵۶ است که این تفاوت به لحاظ آماری معنادار نیست. تفاوت میانگین مقاطع تحصیلی کارشناسی و کارشناسی ارشد برای دو بعد مدارا نسبت به نویسندگان و تهیه‌کنندگان منتقد و مدارای سیاسی عمومی، تفاوت معناداری را نشان داده است. بدین معنی که با افزایش سطح تحصیلات، میزان مدارا در این دو نوع افزایش یافته است.

### آزمون تفاوت میانگین مدارای اخلاقی - رفتاری برحسب مقطع تحصیلی

تفاوت میانگین مدارای اخلاقی - رفتاری برحسب مقطع تحصیلی که از یک طبقه‌بندی چهارگانه بهره‌مند شده، در جدول شماره ۱۰ مشاهده می‌شود. میانگین مدارای اخلاقی - رفتاری کل برای مقطع تحصیلی کارشناسی ۳۶/۷۸ و برای دوره کارشناسی ارشد ۳۹/۷۷ است. بر اساس آزمون t تفاوت مشاهده‌شده بین مقاطع تحصیلی مذکور به لحاظ آماری معنی‌دار است؛ بدین معنی که با افزایش سطح تحصیلات، این نوع مدارا نیز گسترش می‌یابد.



جدول شماره ۱۰. مقایسه میزان مدارای اخلاقی - رفتاری پاسخگوها برحسب مقطع تحصیلی

متغیر	مقطع تحصیلی	میانگین	انحراف معیار	t	df	sig
مدارا با مجرمان	کارشناسی	۱۱/۳۸	۲/۱۶	-۲/۲۲	۱۰۰	۰/۰۲
	کارشناسی ارشد	۱۲/۱۲	۲/۱۶			
مدارا با سبک‌های پوشش و رفتار	کارشناسی	۷/۶۹	۲/۸۰	-۱/۸۵	۹۲	۰/۰۶
	کارشناسی ارشد	۸/۵۵	۳/۱۱			
مدارای اخلاقی - رفتاری کل	کارشناسی	۳۶/۷۸	۸/۲۸	-۲/۳۴	۹۸	۰/۰۲
	کارشناسی ارشد	۳۹/۷۷	۸/۲۹			

میانگین مدارا با مجرمان برای دوره کارشناسی ۱۱/۳۸ و برای دوره کارشناسی ارشد ۱۲/۱۲ است که این تفاوت از نظر آماری معنادار است. به علاوه، تفاوت میانگین مدارا با سبک‌های پوشش و رفتار برای دوره‌های کارشناسی (۷/۶۹) و کارشناسی ارشد (۸/۵۵) حکایت از آن دارد که تفاوت مشاهده‌شده از نظر آماری معنادار نیست.

#### آزمون تفاوت میانگین مدارای اجتماعی برحسب دانشکده

مقایسه میانگین میزان مدارای اجتماعی پاسخگوها که از یک طبقه‌بندی پنج‌گانه برخوردار است، برحسب دانشکده محل تحصیل در جدول شماره ۱۱ ترسیم شده است. داده‌های این جدول نشان می‌دهد میانگین مدارای اجتماعی کل برای دانشجویان دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه تهران و علامه طباطبایی به ترتیب ۶۴/۷۱ و ۶۱/۹۷ است. با آنکه تفاوت مشاهده‌شده بین دو دانشکده قابل توجه است، اما آزمون  $t$  نشان داد این تفاوت به لحاظ آماری معنادار نیست.

ارقام این جدول نتیجه مشابهی را برای مدارا با اقلیت‌های مذهبی، مدارای قومی و اجتماعی عمومی نشان می‌دهد، بدین معنی که تفاوت موجود بین دانشکده‌های فوق از نظر سه نوع مدارای مذکور، از نظر آماری معنادار نبوده است. میانگین مدارا با مسیحی‌ها (به عنوان نماینده مدارای دینی) برای پاسخگویانی که در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران تحصیل می‌کنند، ۱۶/۷۳ و برای همتایانشان در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی ۱۵/۸۲ است. آزمون  $t$  نشان داد تفاوت مذکور از نظر آماری معنادار است. به نظر می‌رسد که فعالیت و حضور انجمن‌های مختلف در این دانشکده سبب ارتقای روحیه مداراجویانه افراد شده است.



جدول شماره ۱۱. تفاوت میانگین بین دانشکده‌ها از نظر مدارای اجتماعی

متغیر	دانشکده علوم اجتماعی	میانگین	انحراف معیار	t	df	sig
مدارا با مسیحی‌ها	دانشگاه تهران	۱۶/۷۳	۲/۹۰	۲/۲۲	۲۲۱	۰/۰۲
	دانشگاه علامه طباطبایی	۱۵/۸۲	۲/۹۵			
مدارا با اقلیت‌های مذهبی	دانشگاه تهران	۱۳/۹۳	۳/۱۹	۱/۴۶	۱۵۱	۰/۱۴
	دانشگاه علامه طباطبایی	۱۳/۲۹	۳/۰۳			
مدارای قومی	دانشگاه تهران	۱۴/۰۹	۲/۷۸	۱/۲۸	۱۶۵	۰/۲۰
	دانشگاه علامه طباطبایی	۱۳/۵۸	۲/۹۲			
مدارای ملیتی	دانشگاه تهران	۱۱/۴۸	۲/۵۱	۲/۱۹	۱۷۰	۰/۰۳
	دانشگاه علامه طباطبایی	۱۰/۶۷	۲/۷۸			
مدارای اجتماعی عمومی	دانشگاه تهران	۸/۳۲	۱/۴۲	-۱/۰۹	۱۵۳	۰/۲۸
	دانشگاه علامه طباطبایی	۸/۵۳	۱/۳۶			
مدارای اجتماعی کل	دانشگاه تهران	۶۴/۷۱	۹/۹۸	۱/۹۱	۱۶۲	۰/۰۶
	دانشگاه علامه طباطبایی	۶۱/۹۷	۱۰/۳۸			



در مورد مدارای ملیتی نیز در جدول مذکور، همین وضعیت قابل مشاهده است؛ بدین معنی که مدارای ملیتی دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران نسبت به همتایان‌شان در دانشگاه علامه طباطبایی بیشتر بوده و این تفاوت نیز به لحاظ آماری معنادار است.

آزمون تفاوت میانگین مدارای سیاسی برحسب دانشکده

جدول شماره ۱۲ دربرگیرنده مقایسه میانگین میزان مدارای سیاسی پاسخگوهاست که از یک طبقه‌بندی چهارگانه برخوردار است. یافته‌های این جدول نشان می‌دهد میانگین مدارای سیاسی کل برای دانشجویان دانشکده‌های علوم اجتماعی تهران و علامه طباطبایی به

ترتیب ۴۲/۶۲ و ۴۲/۱۱ است. اگرچه داده‌ها حاکی از آن است که میزان مدارای دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران بیشتر از همتایانشان در دانشگاه علامه طباطبایی است اما آزمون t نشان داد تفاوت مذکور به لحاظ آماری معنادار نبوده است.

جدول شماره ۱۲. تفاوت میانگین بین دانشکده‌ها از نظر مدارای سیاسی

متغیر	دانشکده علوم اجتماعی	میانگین	انحراف معیار	t	df	sig
مدارا با ژورنالیست‌ها	دانشگاه تهران	۱۲/۲۵	۲/۰۴	-۱/۰۰	۱۴۴	۰/۳۲
	دانشگاه علامه طباطبایی	۱۲/۵۳	۱/۸۹			
مدارا نسبت به نویسندگان و تهیه‌کنندگان منتقد	دانشگاه تهران	۸/۷۴	۱/۶۱	۱/۵۶	۱۶۵	۰/۱۲
	دانشگاه علامه طباطبایی	۸/۳۸	۱/۷۱			
مدارای سیاسی عمومی	دانشگاه تهران	۱۳/۰۴	۲/۰۵	۰/۱۶	۱۴۶	۰/۸۷
	دانشگاه علامه طباطبایی	۱۲/۹۹	۱/۸۸			
مدارای سیاسی کل	دانشگاه تهران	۴۲/۶۲	۵/۳۵	۰/۶۸	۱۵۵	۰/۵۰
	دانشگاه علامه طباطبایی	۴۲/۱۱	۵/۳۴			

در مورد مدارا با ژورنالیست‌ها، نویسندگان و تهیه‌کنندگان منتقد و مدارای سیاسی عمومی نیز به لحاظ معناداری وضعیت مشابهی حاکم است؛ یعنی تفاوت میانگین مشاهده شده از نظر آماری معنادار نیست.

#### آزمون تفاوت میانگین مدارای اخلاقی - رفتاری برحسب دانشکده

مقایسه میانگین میزان مدارای اخلاقی - رفتاری پاسخگوها که از یک طبقه‌بندی چهارگانه برخوردار است، برحسب دانشکده محل تحصیل، در جدول شماره ۱۳ آمده است.



جدول شماره ۱۳. تفاوت میانگین بین دانشکده‌ها از نظر مدارای اخلاقی - رفتاری

متغیر	دانشکده علوم اجتماعی	میانگین	انحراف معیار	t	df	sig
مدارا با مجرمان	دانشگاه تهران	۱۱/۸۱	۲/۰۱	۱/۱۹	۱۷۵	۰/۲۳
	دانشگاه علامه طباطبایی	۱۱/۴۵	۲/۲۷			
مدارا با سبک‌های پوشش و رفتار	دانشگاه تهران	۷/۵۴	۲/۷۴	-۱/۴۸	۱۷۰	۰/۱۴
	دانشگاه علامه طباطبایی	۸/۱۳	۲/۹۸			
مدارای اخلاقی - رفتاری کل	دانشگاه تهران	۳۷/۲۲	۷/۴۲	-۰/۴۷	۱۸۱	۰/۶۴
	دانشگاه علامه طباطبایی	۳۷/۷۵	۸/۸۶			



داده‌های این جدول حکایت از آن دارد که میانگین مدارای اخلاقی - رفتاری کل برای دانشجویان دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه تهران و علامه طباطبایی به ترتیب ۳۷/۲۲ و ۳۷/۷۵ است. آزمون t نشان داد تفاوت دو میانگین فوق از نظر آماری معنادار نیست. تمامی مؤلفه‌های این بُعد از مدارا نیز وضعیت مشابهی دارند؛ بدین معنی که تفاوت میانگین آنها به لحاظ دانشکده محل تحصیل از نظر آماری معنادار نبوده است.

### نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های این تحقیق، گونه‌شناسی و گت از مدارا نسبت به سایر تقسیم‌بندی‌های ارائه شده جامع‌تر بوده و بسیاری از تقسیم‌بندی‌های پیش از خود را نیز شامل می‌شود. همچنین، این تقسیم‌بندی علاوه بر اینکه بر غنای مفهومی بحث مدارا افزوده، قابلیت آزمون تجربی نیز داشته است. همه این عوامل ما را بر آن داشت تا در تحقیق حاضر از تقسیم‌بندی و گت برای سنجش مدارا استفاده کنیم. جامعیت این تقسیم‌بندی منجر به تولید داده‌های بسیار مهمی می‌شود که می‌تواند مبنایی برای تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی در مورد فرهنگ سیاسی جوانان باشد.

در کل، از بین ابعاد سه‌گانه مدارا، مدارای سیاسی، اجتماعی، و اخلاقی - رفتاری به ترتیب با میانگین ۴/۵۶، ۳/۸۶ و ۳/۱۲ بیشترین میزان را دارا هستند. این امر نشان می‌دهد هرچه مدارا به سمت امور انتزاعی حرکت می‌کند، میزان آن افزایش می‌یابد، درحالی‌که با حرکت به سمت مدارای عینی‌تر که نمود آن را بیشتر در مدارای اخلاقی - رفتاری و کمتر در مدارای اجتماعی می‌بینیم، میزان مدارا رو به کاهش می‌گذارد. البته بالاتر بودن میزان مدارای سیاسی ممکن است در نتیجه آزادی‌های سیاسی باشد. این آزادی‌های سیاسی سبب گسترش گفتمان دموکراتیک و متساهلانه در سطح جامعه شده و به نوعی احساس مسئولیت در برابر «غیر» را در افراد ایجاد کرده است.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد با افزایش سطح تحصیلات، بیشتر مؤلفه‌های مدارا نیز توسعه می‌یابند اما از میان مؤلفه‌های مدارا با آنکه میزان میانگین مدارای اجتماعی عمومی و مدارا با ژورنالیست‌ها در مقطع کارشناسی ارشد به نسبت مقطع کارشناسی بیشتر بوده، اما این تفاوت به لحاظ آماری معنادار نبوده است. دلیل این امر آن است که گویه‌های دو مؤلفه مذکور نسبت به سایر گویه‌ها از عینیت کمتری برخوردار بوده‌اند و در نتیجه دانشجویان مقاطع مختلف نظر نسبتاً یکسانی ابراز داشته‌اند. همچنین از بین مؤلفه‌های مدارای اخلاقی - رفتاری، مدارا با سبک‌های پوشش و رفتار، تفاوت معناداری را به لحاظ مقطع تحصیلی نشان نداده است. دلیل این امر آن است که سه مؤلفه مذکور در ارتباط با اصول اخلاقی جامعه هستند. بدین معنی که ارزش‌های جامعه که در افراد نهادینه شده‌اند، از ایجاد و گسترش روحیه مداراجویانه نسبت به این مؤلفه‌ها جلوگیری می‌کنند. در واقع، الگوهای پوشش همواره از موضوعات مهم و حساس در جامعه ما بوده‌اند و الگوهای پسندیده و معیاری وجود دارند که تخطی از آنها مجازات و تنبیه را به دنبال خواهد داشت. به دنبال این ارزش‌گذاری‌ها و نهادینه شدن ارزش‌های جامعه، مدارای افراد نسبت به این مسائل تقریباً یکسان باقی مانده و افزایش سطح تحصیلات تفاوتی را در این نوع مدارا ایجاد نکرده است.

همچنین بر اساس یافته‌های تحقیق، بالاتر بودن بیشتر مؤلفه‌های مدارا در میان دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، به این دلیل است که محیط و موقعیت این دانشکده در شهر تهران فعالیت‌ها و نشست‌های متعددی را دامن زده که این موقعیت منجر به بالا رفتن فهم علمی دانشجویان در برخورد با افراد متفاوت



شده است؛ به طوری که کانون توجه قرار گرفتن این دانشکده سبب شکل‌گیری فضاهای انجمنی گوناگون و بحث‌ها و تعاملات گسترده‌ای شده و همه اینها بر گزینش سبک زندگی مداراجویانه تأثیر گذاشته‌اند. با این حال برخی مؤلفه‌های مدارا به لحاظ دانشکده تفاوت معناداری را نشان نداده‌اند که از این میان می‌توان به مدارای مذهبی و قومی اشاره کرد. این یافته به این دلیل است که این دو مؤلفه به نسبت سایر مؤلفه‌ها ملموس‌تر بوده و دانشجویان در هر دو دانشکده با اقلیت‌های قومی و مذهبی ارتباط مستقیم دارند و میزان مدارای آنها نیز همسان‌تر بوده است. در مورد تفاوت میانگین مدارای اخلاقی - رفتاری برحسب دانشکده نیز یافته‌ها نشان می‌دهد تفاوت مشاهده شده به لحاظ آماری معنادار نبوده، زیرا ارزش‌های جامعه ما نسبت به مؤلفه‌های مدارای اخلاقی - رفتاری، مرزهای مشخصی را تعریف کرده که تخطی از آنها با مجازات روبه‌رو می‌شود. پس به دلیل نهادینه شدن ارزش‌های جامعه در ذهن افراد، میزان این نوع مدارا در دو دانشکده مذکور یکسان بوده است. مدارای سیاسی نیز که از میان ابعاد مدارا از بیشترین میزان برخوردار بوده، به لحاظ دانشکده تفاوت معناداری نشان نداده است. دلیل این یافته آن است که فضای فعالیت‌های سیاسی در هر دو دانشکده وضعیت نسبتاً یکسانی داشته‌اند و ارتقای سطح مدارای سیاسی افراد را به نسبت تقریباً مشابه، باعث شده است.





## منابع

- افشانی، ع. (۱۳۸۱) بررسی چگونگی تساهل سیاسی در تشکل‌های دانشجویی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- بشیریه، ح. (۱۳۸۳) عقل در سیاست (سی و پنج گفتار در فلسفه، جامعه‌شناسی و توسعه سیاسی)، تهران: نشر نگاه معاصر.
- بهمن‌پور، ث. (۱۳۷۸) تأثیر نشانگان فرهنگی بر بردباری اجتماعی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته پژوهشگری علوم اجتماعی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، استاد راهنما: مسعود چلبی.
- جهانبگلو، ر. (۱۳۸۴) موج چهارم، چاپ چهارم، تهران: نشر نی.
- دواس، دی. ای. (۱۳۸۳) پیمایش در تحقیقات اجتماعی، مترجم: هوشنگ نایی، چاپ چهارم، تهران: نشر نی.
- رفیع‌پور، ف. (۱۳۸۳) کنده‌کاوها و پنداشته‌ها (مقدمه‌ای بر روش‌های شناخت جامعه و تحقیقات اجتماعی)، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- سراج‌زاده، ح.؛ شریعتی‌مزنانی، س. (۱۳۸۳) «بررسی رابطه میزان دینداری و انواع آن با مدارای اجتماعی»، مجله علوم اجتماعی، دوره -، شماره ۴، صص ۱۰۹-۱۴۲.
- صابر، س. (۱۳۸۴) بررسی رابطه میزان و انواع دینداری با مدارای اجتماعی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تربیت معلم.
- فلچر، ج. (۱۳۸۳) «بی‌ثباتی در تساهل»، در مجموعه مقالات تساهل، گردآورنده: دیوید هید، مترجم: پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- قادری، ح. (۱۳۷۶) «تساهل، پلورالیسم و مونیسم»، نامه فرهنگ، دوره -، شماره ۲۸، صص ۵۴-۶۱.
- کدیور، م. (۱۳۷۹) دغدغه‌های حکومت دینی، تهران: نشر نی.
- کرنستن، م. (۱۳۷۶) «تسامح و تساهل»، مترجم: محمدسعید حنایی کاشانی، نامه فرهنگ، دوره -، شماره ۲۸، صص ۶۹-۶۲.
- گراهام، گ. (۱۳۸۳) «تساهل، کثرت‌گرایی و نسبی‌گرایی»، در مجموعه مقالات تساهل، گردآورنده: دیوید هید، مترجم: پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- نواح، ع. و تقوی‌نسب، م. (۱۳۸۶) «تأثیر احساس محرومیت نسبی بر هویت قومی و هویت ملی: مطالعه موردی اعراب استان خوزستان»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هشتم، شماره ۲، صص ۶۳-۱۴۲.
- والزر، م. (۱۳۸۳) در باب مدارا، مترجم: صالح نجفی، تهران: نشر شیرازه.

Beach, W. (1947) "The Basis of Tolerance in a Democratic Society", *Ethics*, Vol. 57 (3157-169:).

Colesante, R. (1997) *Narrative and Propositional Approaches to Promoting Moral and Political Tolerance*, Doctoral Dissertation, School of Education, University of New York at Albany.

Dennis Y. (2007) *Tolerating on Faith: Locke, Williams, and The Origins of Political Toleration*, Dissertation, Department of Political Science, Duke University.

Dijker, A. & Koomen, W. (2007) *Stigmatization, Tolerance and Repair: An*



*Integrative Psychological Analysis of Responses to Deviance*, Cambridge: Cambridge University Press.

Galeotti, Anna E. (2001) "Do We Need Toleration as a Moral Virtue", *Respublica*, Vol.7 (3): 273-292.

\_\_\_\_\_ (2002) *Toleration as Recognition*, Cambridge: Cambridge University Press.

Goldschmidt, V. (1972) "Social Tolerance and Frustration: An Analysis of Attitudes toward Criminals in a Changing Arctic Town", presented at: *the International Research Committee on the Sociology of Law*, Holland, September 1972.

Phelps, E. (2004) *White Students Attitudes towards Asian American Students at the University of Washington: a Study of Social Tolerance and Cosmopolitanism*, Dissertation, New York University.

UNESCO (1995) Declaration of Principles on Tolerance, at: <http://www.unesco.org/cpp/uk/declarations/tolerance.pdf>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی



فصلنامه علمی - پژوهشی

۳۴

دوره دوم  
شماره ۸  
زمستان ۱۳۸۸